



مشارکت سیاسی در قرآن

دکتر علی آقاجانی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۴۰۴

آقاجانی، علی، ۱۳۵۷-

مشارکت سیاسی در قرآن / علی آقاجانی. -- قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۴.

هشت، ۲۲۸ ص. -- (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۷۹۷؛ علوم سیاسی: ۲۵)

بها: ۲۹۵۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-298-587-3

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. مشارکت سیاسی -- جنبه‌های قرآنی. ۲. Political participation -- Qur'anic teaching. ۳. قرآن -- بررسی و شناخت.

۴. Qur'an -- Surveys. ۵. تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴. ۶. Qur'an -- Shiite hermeneutics -- 20th century.

۷. مشارکت سیاسی (فقه). ۸. Political participation (Islamic law). ۹. سیاست در قرآن. ۱۰. Politics in the Qur'an.

الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. انتشارات.

BP۱۰۴ ۲۹۷/۱۵۹

۱۰۲۸۴۱۶۵

شماره کتابشناسی ملی



مشارکت سیاسی در قرآن

مؤلف: دکتر علی آقاجانی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۴

تعداد: ۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۲۹۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۵۸۷-۳

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۷۹۰ عنوان کتاب و ۹ نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی در رشته «علوم سیاسی و اندیشه سیاسی اسلام» تألیف شده است.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از تلاش های مؤلف محترم اثر، دکتر علی آقاجانی، و نیز از ارزیابان محترم، دکتر سیدکاظم سیدباقری و دکتر محمد شجاعیان سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

مقدمه مؤلف.....	۱
-----------------	---

فصل اول: کلیات و تمهیدات نظری

گفتار نخست: کلیات.....	۵
۱. طرح مسئله پژوهش.....	۵
۲. سامانه و پیشینه پژوهش.....	۷
۳. روش و ساختار پژوهش.....	۱۱
گفتار دوم: بررسی مفاهیم.....	۱۲
مشارکت سیاسی و مؤلفه‌های همبسته.....	۱۳
۱. مشارکت.....	۱۳
۲. سیاست.....	۱۳
۳. مشارکت سیاسی (political participation).....	۱۸
سطوح مشارکت.....	۱۹
گفتار سوم: چهارچوب نظری و روش تحقیق.....	۲۳
الف) روش پژوهش: (تفسیر موضوعی).....	۲۳
۱. تعریف تفسیر شکل.....	۲۳
۲. چهارچوب روشی: تفسیر موضوعی.....	۲۵
ب) چهارچوب نظری.....	۲۸
۱. مشارکت سیاسی در رژیم.....	۲۸
۲. مشارکت سیاسی واگذارانه – کارگزارانه.....	۳۰
نظریه مشارکت سیاسی واگذارانه هابز.....	۳۱
نظریه مشارکت سیاسی کارگزارانه جان لاک.....	۳۳
۳. مشارکت سیاسی واکارگزارانه؛ حداکثری مشروط.....	۳۵
جمع‌بندی.....	۳۹

فصل دوم: اصول و مؤلفه‌های مشارکت سیاسی در قرآن

مقدمه.....	۴۱
گفتار اول: جامعیت دین.....	۴۲
گفتار دوم: اندماج دین و سیاست.....	۴۷
گفتار سوم: کرامت انسان.....	۴۸
گفتار چهارم: خلافت انسان.....	۵۱
گفتار پنجم: تکثر سیاسی اسلامی.....	۵۴
گفتار ششم: آزادی سیاسی اسلامی.....	۵۷
جمع‌بندی.....	۶۰

فصل سوم: ظروف و سطوح مشارکت سیاسی در قرآن

مقدمه.....	۶۳
گفتار اول: ظروف و حاملان مشارکت سیاسی در قرآن.....	۶۳
الف) ظروف و واحدهای مشارکت سیاسی.....	۶۴
۱. فتنه.....	۶۵
۲. طائفه.....	۶۵
۳. قبیله (tribe).....	۶۷
۴. قوم.....	۶۷
۵. امت.....	۶۹
۶. اهل قریه/قری.....	۷۲
۷. اهل المدینه.....	۷۴
۸. جامعه ایمانی «یا ایها الذین آمنوا».....	۷۵
۹. جامعه انسانی «ایها الناس».....	۷۵
ب) سطوح و مخاطبان مشارکت سیاسی در قرآن.....	۷۶
۱. مشارکت سیاسی توده‌های مردم.....	۷۷
۲. مشارکت سیاسی نخبگان سیاسی.....	۷۸
الف) کنش سیاسی جمعی نخبگان.....	۷۹
ب) کنش فردی نخبگان سیاسی.....	۸۱
۳. مشارکت سیاسی احزاب و گروه‌ها.....	۸۴
گفتار دوم: انواع مشارکت سیاسی در قرآن.....	۸۶
الف) مشارکت سیاسی ذیل نظام سیاسی نامشروع.....	۸۶
۱. مشارکت سیاسی مثبت معطوف به کنش سیاسی منتقدانه.....	۸۸
۲. مشارکت سیاسی مثبت معطوف به کنش سیاسی هدایت‌گرانه و دعوت به حق از طریق گفتگو و مناظره.....	۹۰
۳. مشارکت سیاسی مثبت معطوف به کنش سیاسی تقیه‌مدارانه.....	۹۳
۴. مشارکت سیاسی منفی معطوف به کنش سیاسی عدم همکاری با نظام سیاسی نامشروع.....	۹۷

۵. مشارکت سیاسی منفی معطوف به کنش سیاسی نافرمانی مدنی.....	۹۸
۶. مشارکت سیاسی منفی معطوف به کنش سیاسی تبّری جویانه.....	۱۰۰
الف) اظهار علنی و لفظی براءت.....	۱۰۱
ب) هجرت از جامعه سیاسی و نظام سیاسی فاسد و نامشروع.....	۱۰۲
۷. مشارکت سیاسی منفی معطوف به کنش سیاسی معترضان و معارضه‌جویانه و براندازانه.....	۱۰۴
ب) مشارکت سیاسی ذیل نظام سیاسی مشروع.....	۱۰۸
۱. مشارکت سیاسی مثبت معطوف به کنش سیاسی حمایت‌گرانه.....	۱۰۹
۲. مشارکت سیاسی مثبت معطوف به کنش سیاسی پرسش‌گرانه، منتقدانه و ناصحانه.....	۱۱۱
۳. مشارکت سیاسی مثبت معطوف به کنش سیاسی انتخاب‌گرانه.....	۱۱۸
۴. مشارکت سیاسی مثبت معطوف به کنش سیاسی تصمیم‌سازانه.....	۱۲۰
۵. مشارکت سیاسی مثبت معطوف به کنش سیاسی تشکل‌گرایانه.....	۱۲۳
۶. مشارکت سیاسی منفی/معارضه‌جویانه ذیل نظام سیاسی مشروع.....	۱۲۴
جمع‌بندی.....	۱۲۷

فصل چهارم: دلایل مشارکت سیاسی حداکثری مشروط در قرآن

مقدمه.....	۱۳۱
گفتار نخست: دلایل مشروطی مشارکت سیاسی در قرآن.....	۱۳۲
۱. آیه اولوا الامر (نساء، ۵۹).....	۱۳۳
۲. آیه اولویت (احزاب، ۶): التَّيَّيُّ اُولٰٓئِیْ بِالْمُؤْمِنِیْنَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ.....	۱۳۷
۳. آیه امامت (بقره، ۱۲۴).....	۱۴۳
الف) دیدگاه معتقد به نصب الهی.....	۱۴۳
ب) دیدگاه معتقد به عدم نصب الهی به حکومت.....	۱۴۴
- قلمرو امامت.....	۱۴۴
- تفکیک امامت و نبوت.....	۱۴۴
- درهم تنیدگی امامت و نبوت.....	۱۴۴
- تلقی عرفانی-سیاسی از امامت.....	۱۴۵
۴. احزاب، ۳۶.....	۱۴۵
گفتار دوم: دلایل وجه حداکثری مشارکت سیاسی در قرآن.....	۱۴۷
۱. آیات شورا.....	۱۴۸
منظور سیاسی از امر.....	۱۵۰
مقدمه نخست؛ تفاوت شورا و مشورت.....	۱۵۱
مقدمه دوم؛ شورا مفهومی امضایی و نه تأسیسی.....	۱۵۳
مقدمه سوم؛ دلایل پیروی از اکثریت در شورا.....	۱۵۴
دلیل اول: حکم عقل.....	۱۵۴
دلیل دوم: سیره عقلا.....	۱۵۶

۱-۱. چگونگی استدلال و برداشت از آیات شورا.....	۱۵۹
الف) اطلاق آیه ۳۸ سوره شوری.....	۱۵۹
تمسک به آیه در وجوب یا عدم وجوب شورا.....	۱۶۱
ب) مفاد آیه ۱۵۹ سوره آل عمران.....	۱۶۳
لزوم/عدم لزوم عمل به نظر شورا.....	۱۶۵
ج) سیره معصومین در تمسک به شورا و مشورت در مشارکت سیاسی.....	۱۷۱
۲. آیه خلافت (بقره، ۳۰).....	۱۷۵
۳. آیه وفای به عقد (مائده، ۱).....	۱۷۸
۴. آیات امر به معروف و نهی از منکر.....	۱۸۰
۵. آیه امانت (نساء، ۵۸).....	۱۸۱
۶. آیات بیعت.....	۱۸۳
۷. آیه سرنوشت (رعد، ۱۱).....	۱۹۱
۸. آیات دال بر خطابات تکالیف عمومی به مردم.....	۱۹۲
جمع‌بندی.....	۱۹۶
خاتمه.....	۱۹۹
نتیجه‌گیری.....	۱۹۹
الف) دلایل مشروطی مشارکت سیاسی در قرآن.....	۲۰۲
ب) دلایل کارگزارانگی مشارکت سیاسی در قرآن.....	۲۰۳
منابع و مأخذ.....	۲۰۵

نمایه‌ها

نمایه اصطلاحات.....	۲۲۳
نمایه شخصیت‌ها.....	۲۲۶

مقدمه مؤلف

مشارکت سیاسی یکی از ارکان اساسی در علوم سیاسی محسوب می‌شود و نقش مهمی در شکل‌دهی به نظام‌های حکومتی و توسعه جوامع دارد. این مفهوم نه تنها به حضور شهروندان در انتخابات محدود نمی‌شود، بلکه شامل فعالیت‌های گسترده‌تری مانند مشارکت در احزاب، اعتراضات مدنی، و تعاملات سیاسی در فضای عمومی است. اهمیت مشارکت سیاسی در مسائل و مؤلفه‌های گوناگونی نهفته است:

تقویت مشروعیت نظام سیاسی: مشارکت فعال شهروندان نشان‌دهنده پذیرش و حمایت عمومی از نظام سیاسی است و به افزایش مشروعیت آن کمک می‌کند. افزایش آگاهی عمومی: مشارکت سیاسی موجب ارتقای سطح دانش و آگاهی مردم درباره مسائل سیاسی و اجتماعی می‌شود و آنان را به تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تر سوق می‌دهد. تقویت جامعه مدنی: حضور فعال مردم در عرصه‌های سیاسی موجب شکل‌گیری جامعه‌ای پویا و مسئولیت‌پذیر می‌شود که در آن حقوق و آزادی‌های فردی بهتر حفظ می‌شود. ایجاد تغییرات مثبت: مشارکت سیاسی ابزار مهمی برای اصلاحات اجتماعی و سیاسی است و به مردم امکان می‌دهد تا در تعیین سرنوشت خود نقش داشته باشند.

ضرورت مشارکت سیاسی نیز بر چند پایه استوار است: پایداری و توسعه مردم‌سالاری: بدون مشارکت فعال مردم، نظام‌های سیاسی نمی‌توانند به درستی عمل کنند و ممکن است به سمت تمرکز قدرت و استبداد سوق پیدا کنند؛ پاسخگویی حکومت‌ها: مشارکت سیاسی موجب افزایش پاسخگویی مسئولان و کاهش فساد اداری می‌شود؛ زیرا مردم با نظارت بر عملکرد دولت‌ها، آنان را به رعایت اصول عدالت و شفافیت وادار می‌کنند؛ تقویت هویت

فرهنگی و اجتماعی: مشارکت سیاسی به مردم کمک می‌کند تا هویت جمعی خود را تقویت کرده و در شکل‌دهی به آینده کشور نقش داشته باشند.

در جمهوری اسلامی مشارکت سیاسی به‌عنوان یک اصل مهم در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته و نقش کلیدی در تحقق اهداف انقلاب اسلامی دارد. این مشارکت نه‌تنها در قالب انتخابات، بلکه در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی نیز نمود پیدا می‌کند. مشارکت سیاسی در اسلام دارای ابعاد مختلفی است که هر یک نقش مهمی در شکل‌دهی به نظام حکومتی و اجتماعی ایفا می‌کنند. این ابعاد را می‌توان به چند دسته کلی تقسیم کرد:

۱. بعد اعتقادی و دینی: مشارکت سیاسی در اسلام ریشه در اصول اعتقادی دارد. مفاهیمی مانند بیعت، امر به معروف و نهی از منکر، و مشورت نشان‌دهنده اهمیت حضور مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. قرآن کریم در آیات متعددی بر ضرورت مشورت و نظارت عمومی تأکید کرده است.

۲. بعد حقوقی و فقهی: در فقه سیاسی اسلام، مشارکت سیاسی به‌عنوان یک حق و تکلیف شناخته می‌شود. مردم نه‌تنها حق دارند در تعیین سرنوشت خود نقش داشته باشند، بلکه از نظر شرعی موظف به نظارت بر عملکرد حکومت و تلاش برای اصلاح آن هستند. این امر در قالب نظارت عمومی، بیعت، و مشورت تجلی پیدا می‌کند.

۳. بعد اجتماعی و فرهنگی: مشارکت سیاسی موجب تقویت هویت جمعی و انسجام اجتماعی می‌شود. حضور فعال مردم در عرصه‌های سیاسی باعث افزایش آگاهی عمومی و ارتقای سطح دانش سیاسی جامعه می‌شود. همچنین، مشارکت سیاسی به مردم امکان می‌دهد تا در شکل‌دهی به ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی نقش داشته باشند.

۴. بعد اقتصادی و توسعه‌ای: مشارکت سیاسی تأثیر مستقیمی بر توسعه اقتصادی دارد. جوامعی که مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نقش فعال دارند، معمولاً از شفافیت اقتصادی و کاهش فساد برخوردارند. همچنین، سیاست‌های اقتصادی در چنین جوامعی با توجه به نیازهای واقعی مردم تدوین می‌شود.

۵. بعد تاریخی و تجربی: در تاریخ اسلام، مشارکت سیاسی به اشکال مختلفی دیده شده است. از دوران خلافت خلفای راشدین که مردم در انتخاب خلیفه نقش داشتند، تا دوران جمهوری اسلامی ایران که انتخابات و شوراها به‌عنوان ابزارهای مشارکت عمومی شناخته

می‌شوند. براساس این، با توجه به اهمیت مشارکت سیاسی در نظام‌های سیاسی و چالش‌های متعدد پیرامون این مفهوم در جوامع اسلامی، بررسی رویکردهای قرآنی نسبت به این موضوع امری اجتناب‌ناپذیر است.

کتاب حاضر با اذعان به اهمیت و اولویت نظام معنایی قرآن به عنوان نخستین منبع اندیشه دینی اسلام و با هدف غنی‌سازی ادبیات قرآنی مشارکت سیاسی به دنبال پاسخ به این پرسش است که از منظر قرآن، رهیافت مطلوب مشارکت سیاسی کدام است؟ فرضیه تحقیق مبتنی بر این اصل است که در نظام سیاسی دینی، مشارکت سیاسی نه صرفاً علیه حکومت است و نه فقط در جهت تأیید آن، بلکه حالتی ترکیبی دارد که می‌توان آن را «حداکثری مشروط» نامید. این رویکرد که از تلفیق دو رهیافت واگذارانه و کارگزارانه حاصل شده است، شرطیت شرعی در حدوث و بقای دولت دینی را شامل می‌شود.

آیات قرآنی مرتبط با این موضوع به دو دسته تقسیم می‌شوند: آیات مؤید مشروطیت مشارکت سیاسی (مانند آیات اولوالامر، امامت، اولویت، و ابلاغ قوانین الهی) و آیات مؤید حداکثری بودن مشارکت (مانند آیات شورا، بیعت، وفای به عقد، امر به معروف و نهی از منکر، خلافت، و امانت). این دسته‌بندی، زمینه مناسبی برای نسبت‌سنجی رهیافت واگذارانه با مشارکت سیاسی از منظر قرآنی فراهم می‌کند.

کتاب حاضر بر این اصل استوار است که مشارکت سیاسی مطلوب، اگرچه دارای اصالت است، اما مشروط به برخی شروط و شرایط پیشینی است. از این رو، مفاهیمی چون حجیت عقد سیاسی میان حاکم و مردم، الزام شورا در عرصه عمومی، مشارکت فعال به مثابه امر به معروف و نهی از منکر، حق انتخاب و گزینش عمومی مردم، خلافت نوعیه از خداوند در راستای حق مشارکت، و واگذاری حکومت به شایستگان به مثابه امانت، در زمره ارکان نظریه مشارکت سیاسی «حداکثری مشروط» قرار می‌گیرند.

این کتاب، افزون بر ارزیابی تفاسیر مختلف درباره آیات مشارکت سیاسی، به بررسی پیشینه نظری و عملی این موضوع در حوزه اندیشه اسلامی می‌پردازد و ضمن تحلیل دیدگاه‌های فقهی و کلامی در این زمینه، چهارچوب نظری مشارکت سیاسی واکارگزارانه را تشریح می‌کند. بدین ترتیب، این کتاب درصدد است که مشارکت سیاسی را نه در قالب یک رویکرد محدودکننده، بلکه به عنوان مفهومی پویا و تطبیق‌پذیر در نظام دینی بازخوانی کند. با ارائه

مستندات قرآنی و بررسی زوایای نظری این رهیافت، کتاب حاضر تلاش دارد تصویری نسبتاً جامع از مشارکت سیاسی مطلوب در قرآن ارائه دهد.

نویسنده، که پیش از این در جهت مطالعات سیاسی قرآن‌بنیاد، کتاب مشروعیت حکومت در قرآن را ارائه داده است، این بار به سراغ مسئله مشارکت سیاسی رفته و پژوهش در آن را طی سالیان متمادی وجهه همت خود قرار داده است. بر این پایه قدردانی و عرض سپاس از افرادی که در به سامان رسیدن این پژوهش سهم و نقشی داشته اند امری ضروری است. افزون‌بر مسئولان گذشته و اکنون پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و نیز ارزیابان رسمی اثر، جناب دکتر سیدکاظم سیدباقری و دکتر محمد شجاعیان باید از دکتر محمدجواد نوروزی، دکتر سیدمحمود طیب‌حسینی، دکتر عبدالوهاب فراتی و نیز دکتر محمدجواد ارسطا که در موافقی، اثر از نظرات و دیدگاه‌های علمی آنان بهره برده یاد کرده و تلاششان را قدر نهم. نیز از تمامی عزیزانی که در به ثمر رسیدن این اثر به هر نحو، سهمی داشته‌اند سپاس خود را ابراز دارم. امید است که این اثر بتواند توجه فرهیختگان و پژوهندگان را به خود معطوف کند و با نقد و نظر آنان به بالندگی این مسیر یاری رساند.

همچنین، این اثر را به حضرت امام خمینی رحمته‌الله و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) که همواره بر حضور و نقش‌آفرینی و مشارکت اصیل مردم تأکید و تصریح داشته‌اند و نیز شهیدان بهشتی و مطهری که از تئوری‌پردازان مشارکت سیاسی در نظام سیاسی اسلامی بوده‌اند تقدیم می‌کنم. با امید به افزایش کمی و کیفی و عمق و ارتفاع مشارکت سیاسی-اجتماعی در تار و پودهای اندیشگی و راهبردی و عملیاتی اندیشه‌های سیاسی و ساختاری نظام سیاسی که پایایی و پویایی آن بدین مقوله وابسته است.

فصل اول

کلیات و تمهیدات نظری

گفتار نخست: کلیات

۱. طرح مسئله پژوهش

مشارکت سیاسی در جامعه ایران یکی از مسائل پراهمیت مورد نیاز و معرکه‌آرا محسوب می‌شود. مبحث مشارکت سیاسی یکی از مهم‌ترین و ظریف‌ترین چالش‌های سیاسی و معرکه‌آرا هم در ساحت نظر و هم در صحنه عمل در جامعه ایرانی و در دوره معاصر به‌ویژه در نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. در این باره دیدگاه‌های گوناگونی از آبخشورهای فکری متفاوت ارائه شده است. از آنجاکه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در پی احیای تمدن اسلامی و ارائه رویکردی متفاوت از دیگر رویکردهای بدیل است، بحث مشارکت سیاسی به‌عنوان یکی از دقایق مهم و گلوگاه‌های حساس این رویکرد باید از جوانب مختلف مورد توجه و بررسی قرار گیرد تا رویکرد مشارکت سیاسی قرآنی و اسلامی از رویکردهای بدیل سکولاریستی و لیبرالیستی مشخص و منفک شود. این در حالی است که اصلی‌ترین منبع الهام، قرآن کریم است. براساس این، بررسی آیات مربوط به مشارکت سیاسی و زیرمجموعه‌های مرتبط با آن می‌تواند برای گره‌گشایی نظری و عملی در نظام جمهوری اسلامی مؤثر افتد. محور اساسی بحث مشارکت سیاسی در نظام مشروع و حکومت اسلامی به‌ویژه در عصر غیبت است. همچنین به مفاهیم ناظر بر مشارکت سیاسی همچون بیعت، شورا، امر به معروف و نهی از منکر، رأی اکثریت، و محدوده اختیارات حاکم پرداخته می‌شود. البته ذکر این نکته لازم است که این پژوهش ادعای جامعیت کامل ندارد و همان‌گونه که از عنوان پیداست، مقدمه‌ای در جهت بررسی‌های تفصیلی‌تر است؛ اما تلاش دارد ساختار مشارکت سیاسی در قرآن را به‌صورت نمایی کلی وارسد.

مشارکت سیاسی معطوف به اهدافی است که در نگرش دینی سعادت، جامع آن اهداف است؛ اما در ذیل آن کارآمدی نظام سیاسی، قاعده‌مندسازی ورود و حضور در نظام سیاسی، تقسیم متوازن و متناسب قدرت، افزایش اعتماد میان دولت و ملت و احقاق حق و انتقال خواست‌های سیاسی و غیرسیاسی به نظام سیاسی از اهداف و کارویژه‌های آن است. این موارد همگی امکان طرح در ذیل آموزه‌های قرآنی را دارد. براساس این، شناخت مطلوب مشارکت سیاسی در نظام سیاسی براساس آموزه‌های قرآنی، بررسی مبانی مشارکت سیاسی در قرآن، بررسی صورت‌بندی و اشکال و اجزای مشارکت سیاسی نسبت به نظام سیاسی در قرآن اهداف کلیدی تحقیق است. براساس این، ضرورت چنین تحقیقی مشخص می‌شود؛ زیرا: ۱. با عنایت به اینکه از یک سو مشارکت سیاسی مردم در نظام سیاسی، از ضروریات حکومت‌ها محسوب شده و حاکمان گریزی از آن ندارند و از سوی دیگر، اصطلاح و مفهوم نوین مشارکت سیاسی در عرصه سیاست، مقوله‌ای وارداتی بوده و مبتنی بر هنجارها و فرهنگ مدرن غرب است، از این رو، باید ضمن بازخوانی آموزه‌های قرآنی، که بخش عمده‌ای از آن در تفاسیر تبلور یافته است، گونه مطلوب و رویکرد مناسب استفاده از مشارکت سیاسی را عرضه و ارائه نمود. بلکه بازخوانی، تحلیل و تبیین مؤلفه‌ها و عناصر تأثیرگذار در حکومت اسلامی مانند مشارکت سیاسی براساس آموزه‌های قرآنی تفسیری، به جهت بومی‌سازی این مؤلفه‌ها و استفاده از فرهنگ بومی اسلامی در این باره گریزناپذیر می‌نماید.

۲. از آنجاکه نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آموزه‌های دینی و قرآنی شکل گرفته و هدایت می‌شود، بلکه مشروعیت آموزه‌های آن در گرو استناد آن به قرآن است، از این رو، به‌مانند دیگر امور اساسی و جزئی جامعه، مباحث عرصه سیاست که مدیریت این نظام را برعهده دارند نیز باید بر آموزه‌های قرآنی و تفاسیر برآمده از آن مبتنی و به ادله و راهکارهای قرآنی - تفسیری مستند باشد.

۳. تاکنون به شکل بایسته‌ای تحقیقی جامع با عنوان مشارکت سیاسی در متون دینی که همه ابعاد را دربرگیرد، نگاشته نشده است؛ به‌ویژه در قرآن و تفاسیر که کاملاً جای آن خالی است و کمبود آن احساس می‌شود.

۲. سامانه و پیشینه پژوهش

سؤال اصلی تحقیق آن است که ماهیت مشارکت سیاسی چیست و چه رهیافتی از مشارکت سیاسی، رهیافت مطلوب قرآن است؟ سؤال‌های فرعی تحقیق نیز سه پرسش است: الف) اصول و پایه‌های مشارکت سیاسی در قرآن چیست؟ ب) سطوح و ظروف مشارکت سیاسی در قرآن چیست؟ ج) رهیافت مطلوب برای مشارکت سیاسی در قرآن چیست؟

فرضیه پژوهش آن است که به نظر می‌رسد مشارکت سیاسی از مفاهیمی است که قابلیت ظرفیت‌سنجی در قرآن را دارد که براساس این ظرفیت‌سنجی می‌توان گفت: از منظر قرآن گونه مطلوب مشارکت سیاسی، مشارکت سیاسی حداکثری مشروط (واکارگزارانه) است که مشارکتی مبتنی بر ولایت سیاسی فقیه است؛ اما در تمامی سطوح جریان دارد و به‌صورت جزءالعله دارای اصالت است؛ اما مشروط و مقید به برخی شروط و شرایط پیشینی در حاکمیت است.

فرضیه پژوهش دو رقیب اصلی و هم‌عرض دارد: الف) فرضیه‌ای معتقد است که قرآن اگرچه در بردارنده مفرداتی از مشارکت سیاسی است، اما فاقد نظریه منسجمی درباره مشارکت سیاسی است؛ ب) فرضیه‌ای که مشارکت سیاسی در قرآن را به‌صورت منفعل می‌پذیرد. مفروضات پژوهش مبتنی بر نگرش دینی به مفاهیم سیاسی معاصر است. ازاین‌رو، تبیین مفاهیمی مانند تکثر، آزادی و مانند آن در همین قالب است. پرهیز از نگاه حداقلی به دین و برقراری ارتباط میان اراده تشریعی خدا و ربوبیت الهی و اراده آزاد انسانی از دیگر مفروضات پژوهش است که کلیت تحقیق را باید براساس آن فهم کرد که نقطه جدایی دیدگاه پژوهش با نظریه‌های لیبرالیستی و سکولاریستی در غرب است.

از حیث پیشینه، در زمینه اصل مشارکت سیاسی آثار متعددی وجود دارد؛ مانند مجموعه مقالات مشارکت سیاسی از علیخانی.^۱ درباره مشارکت سیاسی در اندیشه اسلامی نیز آثاری موجود است؛ مانند «حاکمیت اسلامی و مشارکت سیاسی»،^۲ «رابطه مشروعیت و مشارکت در ج.ا.ا.»^۳ «مشارکت سیاسی در ج.ا.ا. حدود مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام»^۴ و مقالات

۱. علیخانی، مجموعه مقالات مشارکت سیاسی.

۲. تقی‌پور، حاکمیت اسلامی و مشارکت سیاسی.

۳. اکبری، مشروعیت و مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران.

۴. شمس‌الدین، حدود مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام.

متعددی در این زمینه مانند مبانی قرآنی جواز مشارکت سیاسی زنان در انقلاب اسلامی ایران،^۱ و دیدگاه قرآن درباره مشارکت سیاسی زنان.^۲

درباره مشارکت سیاسی در قرآن و تفاسیر نیز مقالات محدودی وجود دارد؛ مانند مقاله «حق مشارکت شهروندان و آزادی سیاسی با تأکید بر قرآن کریم»^۳ اثر سیدکاظم سیدباقری، که مشارکت سیاسی و نقش آن در آزادی را در سه مرحله رصد کرده است. مشارکت سیاسی در کسب قدرت که همراه با مشارکت مثبت برای تشکیل دولت اسلامی و مشارکت منفی برای رویارویی با نظام ستم است؛ مشارکت سیاسی در تثبیت قدرت که با حقوقی مانند حق تعیین سرنوشت، حق انتخابگری و حق انتخاب شدن همراه است؛ مشارکت سیاسی در نظارت بر قدرت که در بستر آزادی رخ می‌دهد و با امر به معروف و نهی از منکر عملیاتی می‌شود. سه مقاله دیگر نیز مشارکت سیاسی در آرمان‌شهر اسلامی از منظر قرآن و روایات^۴ و جایگاه مشارکت سیاسی اجتماعی مردم، از منظر دینی، با تکیه بر آیات قرآن و نهج‌البلاغه^۵ و مسئولیت‌های دولت مردم‌سالار درباره مشارکت سیاسی مردم از منظر قرآن^۶ است که این سه مقاله مستقیم مرتبط با موضوع پژوهش‌اند.

نیز بخش‌هایی از کتاب حکومت و سیاست در قرآن^۷ و همچنین، بخش‌هایی از کتاب‌های پیرامون ولایت فقیه و یا حکومت اسلامی. اما اثری به صورت مستقل بسیار محدود است؛ مانند پایان‌نامه مشارکت سیاسی در قرآن (تفسیر نمونه) از نفیسه جلالی که در دانشگاه باقرالعلوم دفاع شده است. از این رو، پژوهش جامعی در این رابطه ضروری به نظر می‌رسد که گستره بیشتری را دربرگیرد و هم تمامی ابعاد مطرح آن را پوشش دهد؛ البته برخی جنبه‌های مشارکت

۱. شریفی، مبانی قرآنی جواز مشارکت سیاسی زنان در انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی.

۲. حسینی، دیدگاه قرآن درباره مشارکت سیاسی زنان، مجله پژوهش‌های قرآنی، «ویژه زن در قرآن (۱)».

۳. سیدباقری، حق مشارکت شهروندان و آزادی سیاسی با تأکید بر قرآن کریم، پژوهش‌های سیاست اسلامی.

۴. یزدانی، مشارکت سیاسی در آرمان‌شهر اسلامی از منظر قرآن و روایات، مجله معارف اسلامی و علوم سیاسی

۵. ملکی، جایگاه مشارکت سیاسی اجتماعی مردم، از منظر دینی، با تکیه بر آیات قرآن و نهج‌البلاغه، پژوهش‌های اعتقادی کلامی.

۶. شفیع، مسئولیت‌های دولت مردم‌سالار درباره مشارکت سیاسی مردم از منظر قرآن، مجله علوم سیاسی.

۷. قاضی‌زاده، سیاست و حکومت در قرآن.

سیاسی نظیر امر به معروف، شورا، و بیعت مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ اما با نگاه معطوف به مشارکت سیاسی و جامع نبوده است.

در سال‌های اخیر سه کتاب به بازار نشر آمده است که بیشترین ارتباط را با موضوع پژوهش دارند. اما جامعیت پژوهش حاضر را در موضوع ندارند و نیز اگرچه به قرآن استناداتی دارند، اما معطوف به قرآن نیستند. کتاب مشارکت سیاسی در فقه سیاسی شیعه اثر سیدسجاد ایزدهی^۱ نخستین و جدی‌ترین آن است که اثری خوشخوان در این زمینه به شمار می‌رود و توصیفی فقهی از مشارکت سیاسی ذیل دو نظام سیاسی مشروع و نامشروع به دست داده است. کتاب مشارکت سیاسی در فقه سیاسی شیعه از چهار بخش تشکیل شده است: بخش اول: مفاهیم و تمهیدات نظری؛ بخش دوم: ادله فقهی مشارکت سیاسی؛ بخش سوم: راهکارهای مشارکت سیاسی؛ و بخش چهارم: ظرفیت‌ها و الگوهای مشارکت سیاسی در نظم‌های سیاسی مبتنی بر فقه سیاسی. کتاب شاخص مشارکت سیاسی در الگوی پیشرفت اسلامی^۲ کتاب دیگری است که با نظارت محمدجواد نوری و در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) چاپ شده است. فرضیه تحقیق چنین است: «در اندیشه اسلامی مشارکت سیاسی یکی از ویژگی‌های جامعه پیشرفته اسلامی به شمار می‌رود و می‌توان شاخص‌های آن را در الگوی پیشرفت اسلامی در حوزه باور، ساختار و رفتار سیاسی نخبگان و شهروندان نشان داد. در حوزه باور، اعتقاد به اینکه حکومت امانت الهی است، تبعیت از حاکم و مشارکت در امر سیاسی یک تکلیف است. در حوزه ساختار نظام سیاسی اسلام، نهاد بیعت، مشورت، امر به معروف و جهاد در نظر گرفته شده است. در حوزه رفتار شهروندان جامعه اسلامی بیعت با حاکم مشروع را می‌توان برشمرد. این تحقیق در یک مقدمه، پنج فصل و یک نتیجه‌گیری تنظیم شده است. وجه فارق این دو اثر با اثر حاضر آن است که این دو اثر به برخی ابعاد مشارکت سیاسی مانند روابط منتقدانه توجه جدی نکرده‌اند که این اثر در صدد رفع این نقیصه برآمده است. همچنین، گونه‌های مختلف نظریه‌های مشارکت سیاسی در تفکر قرآنی را به صراحت و شفافیت وامی‌کاود.

کتاب راهکارهای فقه سیاسی شیعه برای گسترش مشارکت سیاسی^۳ تألیف ناصر علی رحمانی

۱. ایزدهی، مشارکت سیاسی در فقه سیاسی شیعه.

۲. خلوصی، شاخص مشارکت سیاسی در الگوی پیشرفت اسلامی.

۳. رحمانی، راهکارهای فقه سیاسی شیعه برای گسترش مشارکت سیاسی.

است که در این پژوهش، الگوها و راهکارهای مشارکت سیاسی با نگاه فقه سیاسی شیعه بررسی و با توصیف و تبیین مفاهیم اساسی، به تجزیه و تحلیل راهکارهایی چون شورا، بیعت، نصیحت ائمه مسلمین و امریه معروف و نهی از منکر، به عنوان مهم ترین راهکارهای فقه سیاسی در جهت تحقق و گسترش مشارکت سیاسی اشاره شده است.

براساس این، تازگی طرح در این است که تاکنون هیچ کتابی به طور محض و مبسوط ابعاد مشارکت سیاسی در قرآن را مورد بحث و نظر قرار نداده است. همچنین، در هیچ کتابی مشارکت سیاسی در قرآن به صورت سیستمی، جامع و منظومه وار نگاشته نشده است که تمامی ابعاد مشارکت سیاسی را با هم ملاحظه کرده باشد؛ البته برخی مفردات مشارکت سیاسی مانند شورا یا بیعت بررسی شده اما نظام واره جامعی از آن ارائه نشده است.

در مجموع، بداعت این تحقیق که مقالاتی از آن تاکنون منتشر شده^۱ آن است که به صورت جامع بررسی مشارکت سیاسی را از حالت بررسی مفردات آن خارج کرده و تلاش دارد ارتباط میان مبادی، اصول و مسائل مشارکت سیاسی در قرآن را با توجه به مقتضیات زمان نشان دهد و با بهره گیری از روش تفسیر اجتهادی شاکله خرده نظام مشارکت سیاسی در نظام سیاسی اسلام را بر پایه رویکرد مطلوب خود بنا کند که مشارکت سیاسی واکارگزارانه یا حداکثری مشروط به عنوان فرضیه پژوهش است؛ اما این رویکرد نیازمند بسط، گسترش و ارائه تقریرهای تازه است

۱. آقاجانی، «شورا» و مشارکت سیاسی حداکثری مشروط (واکارگزارانه)؛ نگاهی تحلیلی به جایگاه «شورا» در تفسیر سیاسی-موضوعی قرآن، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی: آقاجانی، المرجعية القرآنية والمشاركة السياسية: مقارنة نحو النظرية المنشودة للمشاركة السياسية في القرآن الكريم. الحوكمة في القرآن والسنة؛ آقاجانی. «صورت بندی مشارکت سیاسی در نظام سیاسی مشروع؛ رهیافتی قرآنی»، پژوهشنامه معارف قرآنی؛ آقاجانی، «صورت بندی ظروف و سطوح مشارکت سیاسی در قرآن»، فصلنامه قرآن و علوم اجتماعی؛ آقاجانی، «بیعت و مشارکت سیاسی حداکثری مشروط در قرآن»، سراج منیر؛ آقاجانی، «مؤلفه های بنیادین مشارکت سیاسی واکارگزارانه (حداکثری مشروط) در قرآن»؛ سیاست پژوهی اسلامی ایرانی؛ آقاجانی، «بررسی موانع و راهکارهای ارتقای مشارکت سیاسی در قرآن»، فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن.

aqajani, Religious State and Political Participation; a Qur'anic Approach to the Theory of Conditional Maximal Political Participation (Delegative-Agential), *Quran and Religious Enlightenment*; aqajani, A Quranic Perspective on the Relationship between the "Shura" and Conditional Maximal Political Participation (Delegative-Agential. urnal of Contemporary Studies on Religion and Science (JCSRS). Ready to publish; Aqajani, A Qur'anic Approach to the Formulation of Political Participation in an Illegitimate Political System, *Interdisciplinary Qur'anic Studies*.

و پژوهش حاضر تنها درآمدی بر چنین موضوع مهمی تلقی می‌شود تا در آینده پژوهش‌های کامل‌تر و جامع‌تری عرضه شود.

۳. روش و ساختار پژوهش

پژوهش کتابخانه‌ای است و از روش تفسیر موضوعی اجتهادی استفاده می‌کند. تفسیر اجتهادی را از زاویه‌ای می‌توان به تفسیر اجتهادی ترتیبی و تفسیر اجتهادی موضوعی تقسیم نمود. در تفسیر موضوعی تلاش اجتهادی در جهت تبیین موضوع و یا عنوان خاص قرآنی صورت می‌گیرد که پژوهش حاضر از این مقوله است. تعریف مختار پژوهش از تفسیر موضوعی چنین است: «کوششی است استنباطی در فهم روشمند نظر قرآن در سایه گردآوری مبتنی بر تئوری آیات پیرامون مسائل و موضوعات زنده علمی و نظری برخاسته از معارف بشری که انتظار می‌رود قرآن سخن حقی در آن خصوص داشته باشد».^۱ براساس این، ظرفیت این روش به سخن درآوردن مجموعه آیات براساس معلومات پیشینی و مبتنی بر کارآمدی و پاسخگو بودن قرآن نسبت به چالش‌های عصری است. بهره‌گیری از روایات، دلایل عقلی تاریخ و علوم مختلف قرآنی و نیز به‌طور خاص، مفاهیم علوم سیاسی از لوازم به‌کارگیری تفسیر موضوعی و تعریف برگزیده است. در این باره در جای خود به تفصیل سخن خواهیم گفت.

ساختار پژوهش مبتنی بر چهار فصل و یک خاتمه است که هر فصل دارای یک مقدمه و یک جمع‌بندی است. فصل نخست، که کلیات و تمهیدات نظری است، از سه گفتار تشکیل شده است. در گفتار نخست آن به کلیات و چهارچوب شکلی شامل طرح مسئله پژوهش، پیشینه و سامانه پژوهش، روش و ساختار تحقیق پرداخته می‌شود و به‌ویژه سؤالات و فرضیه مورد بحث قرار می‌گیرد. در گفتار دوم، که بررسی مفاهیم است، مفهوم سیاست، مشارکت و مشارکت سیاسی تدقیق می‌شود. در گفتار سوم هم چهارچوب نظری یعنی مشارکت سیاسی واکارگزارانه یا حداکثری مشروط به عنوان مشارکت/ رقابت درون رژیم به تفصیل مورد تأمل قرار می‌گیرد و چهارچوب روشی یعنی تفسیر موضوعی توضیح داده می‌شود و سرانجام جمع‌بندی و خلاصه‌ای از فصل ارائه می‌شود.

۱. جلیلی، روش‌شناسی تفاسیر موضوعی قرآن.

در فصل دوم، مفروضات و ارکان رهیافت و رویکرد مشارکت سیاسی واکارگزارانه یا حداکثری مشروط در قرآن، که اساس کار تحقیق است، کاوش می‌شود. جامعیت دین، اندماج دین و سیاست، کرامت انسان، خلافت نوعیه مشککه انسان، تکثر سیاسی اسلامی، و آزادی سیاسی اسلامی به‌عنوان مفاهیم پایه و مفروضات بنیادین تحقیق توضیح داده می‌شوند. در پایان نیز جمع‌بندی و خلاصه‌ای از فصل ارائه می‌شود.

فصل سوم، که متشکل از دو گفتار است، سطوح و ظروف مشارکت سیاسی در قرآن را می‌کاود. در گفتار نخست، ظروف و واحدهای مشارکت سیاسی در قرآن مانند قبیله قوم، امت، جامعه ایمانی و... بررسی می‌شود. نیز حاملان و مخاطبان و عوامل مشارکت سیاسی در قرآن همانند توده مردم، نخبگان و احزاب مورد توجه قرار می‌گیرند. در گفتار دوم سطوح مشارکت سیاسی ذیل نظام مشروع و نامشروع مانند انتقاد، نصیحت، اعتراض، انتخاب و... تبیین و در آخر جمع‌بندی می‌شود.

در فصل چهارم، که فصل محوری است، دلایل و نتایج رهیافت مشارکت سیاسی واکارگزارانه یا حداکثری مشروط مورد دقت و تأمل واقع می‌شود. این فصل در دو گفتار ابتدا عناصر و آیات مشروطگی و واگذاری و در گفتار دیگر عناصر حداکثری و کارگزارانه مشارکت سیاسی حداکثری مشروط (واکارگزارانه) را می‌کاود و دلایل قرآنی این نظریه را براساس تفسیر موضوعی، که جامع‌نگر و اجتهادی است، ذیل آیات شورا، بیعت، امر به معروف، عقود، خطابات قرآنی و... می‌پژوهد و نتایج آن را نشان می‌دهد. خاتمه نیز متضمن نتیجه‌گیری پژوهش و منابع و مآخذ است.

گفتار دوم: بررسی مفاهیم

در تحلیل مشارکت سیاسی، بررسی لفظی و اصطلاحی این مفهوم و مفاهیم وابسته بدان که در تبیین آن مؤثریت دارند امری لازم است. همچنین، بررسی برخی مفردات مربوط به مشارکت سیاسی در ادبیات سیاسی اسلامی و قرآنی نیز ضروری به نظر می‌رسد که در دو گفتار بدان می‌پردازیم.

مشارکت سیاسی و مؤلفه‌های همبسته

معناداری مفهوم مشارکت سیاسی در ارتباط با سایر مفاهیم وابسته در علوم سیاسی است. بدین جهت نگاهی بر مفهوم مشارکت سیاسی و برخی مهم‌ترین و مرتبط‌ترین مفاهیم همبسته با مشارکت سیاسی ضروری است.

۱. مشارکت

از منظر لغوی مشارکت در عربی مصدر باب مفاعله است. در فارسی به معنای با هم شریک شدن و شرکت کردن با هم است.^۱ معادل انگلیسی آن نیز participation است که دقیقاً بدین معناست.^۲ از نظر اصطلاحی به معنای سهیم و شریک شدن و همکاری و دخالت در امور است که می‌تواند ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و یا اجتماعی داشته باشد. فرهنگ انگلیسی آکسفورد مشارکت را به‌عنوان «عمل یا واقعیت شرکت کردن، بخشی از چیزی را داشتن یا تشکیل دادن» دانسته است.^۳ مؤسسه تحقیقاتی ملل متحد برای توسعه اجتماعی مشارکت را «کوشش‌های سازمان یافته برای افزایش کنترل بر منابع و نهادهای نظم‌دهنده در شرایط اجتماعی معین از سوی برخی از گروه‌ها و جنبش‌هایی تعریف می‌کند که تاکنون از حیطه اعمال چنین کنترلی محروم و مستثنا بوده‌اند».^۴

۲. سیاست

سیاست (Policy)^۵ از موضوعاتی است که شمول آن تمامی افراد در طبقات جوامع بشری را مستقیم و غیرمستقیم دربرمی‌گیرد و بسیاری از مسائل نیز مستقیم یا غیرمستقیم رنگ و بوی

۱. فرهنگ عمید. ص ۱۲۵۳.

۲. فرهنگ معاصر هزاره. ص ۱۲۳۴.

۳. مجدی‌نسب، مشارکت سیاسی چگونگی و چرایی، ص ۵۱.

۴. غفاری، بررسی موانع اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی-اقتصادی سازمان یافته در جامعه روستایی ایران: مطالعه موردی روستاهای شهرستان کاشان.

۵. برای مطالعه بیشتر ر. ک: آشنایی با علم سیاست، کارلتون کلایمرودی، توتون جیمز آندرسن [و] کارل کویمبی کریستول، ترجمه بهرام ملکوتی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶؛ بنیادهای علم سیاست، عالم، تهران: نشر نی، ۱۳۷۳؛ مفاهیم کلیدی در علم سیاست، اندرو، هیوود، مترجمان عباس کاروان، حسن سعید کلاهی،

سیاسی دارند. در لغت معانی گوناگونی برای آن برشمرده‌اند. حراست و نگهداری، حکم راندن، رعیت داری، ریاست، داوری، پاس داشتن ملک، تدبیر، دوراندیشی، شکنجه، عدالت و عقوبت از جمله معانی سیاست است. در اصطلاح به‌طور کلی، به حوزه روابط حکومت و جامعه و نهادهای حکومتی اطلاق می‌شود؛ اما به‌طور دقیق‌تر، معانی اصطلاحی مختلفی برای آن برشمرده شده است.

سیاست در معنایی که در زبان‌های اروپایی رایج شده، ریشه در دولت‌شهرهای یونان باستان دارد. در یونانی باستان، «asty» به محل سکونت مردم اطلاق می‌شد و «polis» به دژ یا قلعه‌ای گفته می‌شد که در کنار asty ساخته می‌شد. با گذر زمان، polis معنای گسترده‌تری یافت و به جامعه‌ای منظم با ساختار سیاسی و قدرت حکمرانی تبدیل شد. از آن‌جا که polis به‌تدریج به شکل جامعه‌ای سیاسی با نظام حکومتی و حق حاکمیت ظهور کرد، سیاست نیز به‌عنوان دانش اداره و سامان‌دهی چنین جامعه‌ای تعریف شد. در نتیجه، واژگان Policy و Politics به دانش تدبیر امور عمومی و اداره کشورها اشاره دارند. سیاست به مفهومی که در زبان‌های اروپایی متداول شده است، ریشه در دولت‌شهرهای یونان باستان دارد. در زبان یونانی و در دوره باستان و به مکان زندگی مردم «asty» گفته می‌شد. Polis، نیز قلعه‌ای بود که در پای asty ساخته می‌شد؛ اما کم‌کم مفهوم Polis تغییر کرد و به معنای جامعه منظم سیاسی به کار رفت که دارای قدرت حکمرانی است. بنابراین، از آن‌جاکه شهر Polis به‌تدریج در شکل جامعه منسجم سیاسی، که از نعمت حکومت با دانستن حق حاکمیت ظهور کرد، سیاست، علم و دانش چگونگی اداره شهر محسوب شد. درواقع، Policy یا Politics دانش اداره و تدبیر کشورهاست. باوجوداین، دارای یک تعریف رسمی و منحصری نیست و هر کس از پایگاهی خاص به تعریف آن پرداخته است. ازاین‌رو، این تعاریف از ارزش نسبی برخوردارند؛ زیرا سیاست از گستردگی و پیچیدگی خاص خود برخوردار است. درواقع، سیاست هم علم است و هم فن است و هم هنر. ازاین‌رو، از تنوع بسیار در تعاریف برخوردار است. برخی از تعاریف گوناگون از سیاست عبارت‌اند از:

تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷؛ سیاست‌شناسی: مبانی علم سیاست، عبدالعلی قوام، تهران: سمت، ۱۳۸۹. آشوری، داریوش، فرهنگ سیاسی، تهران: مروارید، بیتا. باطنی، محمدرضا، فرهنگ معاصر انگلیسی به فارسی، تهران: فرهنگ معاصر، چاپ هفتم، ۱۳۷۵. بشیریه، حسین، سیری در نظریه‌های جدید در علوم سیاسی، تهران: مؤسسه نشر علوم نوین، ۱۳۷۸. ۱۱۹/۱۱۵. رابرتسون، دیوید، فرهنگ سیاسی معاصر، ترجمه عزیزکیاوند، تهران: نشر البرز، ۱۳۷۱.

سیاست، فنّ حکومت بر جوامع انسانی است.^۱ سیاست اخذ تصمیم درباره مسائل ناهمگون است.^۲ سیاست توزیع اقتدارآمیز ارزش‌هاست.^۳ سیاست مجموعه تدابیری است که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ می‌کند.^۴ لیتره می‌نویسد: «سیاست علم حکومت بر کشور است»^۵ دو ورژن می‌نویسد: «سیاست علم قدرت است که توسط دولت به کار می‌رود تا نظم اجتماعی را تأمین کند».^۶ «سیاست علمی است که به ما می‌آموزد چه کسی می‌برد، چه می‌برد، کجا می‌برد چگونه می‌برد و چرا می‌برد؟».^۷ «سیاست مطالعه دولت است».^۸ «سیاست، مطالعه، اعمال قدرت و نفوذ که به شکل وسیع در جوامع انسانی جریان دارد».^۹ «سیاست بررسی کارکردهای حکومت یا دولت و مدیریت امور همگانی و احزاب سیاسی است».^{۱۰}

اگر به خوبی در تعاریف ارائه شده دقت کنیم، می‌توانیم چهار طیف از تعاریف را به دست آوریم. این طیف‌های چهارگانه عبارت‌اند از: تعاریف دولت‌محور، حکومت‌محور، قدرت‌محور، و تعاریف رفتارگرا. تعاریف دولت‌محور مانند تعریف لیتره تعریفی است که از کشور، ملت به اعتبار چهارگانه سرزمین، جمعیت، حکومت و حاکمیت سخن گفته می‌شود؛ اما این تعریف به شدت تعریفی ارزشی و متأثر از ارزش‌های ناسیونالیستی است. ضمن آنکه جامع نیز نمی‌باشد و روابط داخلی و قدرت‌های هم‌عرض دولت را چندان مدنظر نمی‌گیرد و بیشتر ناظر به روابط بین‌الملل است.

در تعاریف قدرت‌محور، موضوع سیاست جامعه نیست؛ بلکه قدرت است؛ یعنی همچنان‌که دوورژن می‌نویسد: سیاست هم قدرت است. حال یا قدرت محدود به دولت و یا

۱. تعریف روبر و آرون به نقل از: جاسمی و جاسمی، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۲۵۴.

۲. همان.

3. Easton, *A System Analysis of Political Life*, p. 57-69.

۴. آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۲۰۲.

۵. جاسمی و جاسمی، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۲۵۴ و بابایی و آقایی، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۳۹۳.

۶. همان.

۷. همان.

۸. تعریف لاسول به نقل از: جاسمی و جاسمی، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۲۵۴.

۹. تعریف هارولد لاسکی و ژوونل به نقل از: جاسمی و جاسمی، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۲۵۴.

۱۰. آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی.

قدرت ازسوی هر کس، گروه و مرجعی. بر این گروه از تعاریف نیز دو نقد وارد شده است: نخست اینکه، سیاست به معنای رقابت در اعمال قدرت دانسته شده در صورتی که رقابت از عوارض قدرت است نه خود قدرت. نقد دیگر نیز عدم مانعیت آن است که آن را اعم از پدیده‌های سیاسی می‌کند؛ حال آنکه هر اعمال قدرتی را نمی‌توان سیاست نامید.^۱

تعاریف حکومت‌محور، موضوع سیاست را حکومت می‌دانند که در بردارنده نهادی رسمی و اجتماعی است. تعاریف رفتارگرا، که مورد نظر تحقیق است، اگرچه دارای کاستی است، اما از دیگر تعاریف مناسب‌تر به نظر می‌رسد. در دسته تعاریف رفتارگرا تعریف دیوید استون از همه مشهورتر است که سیاست را توزیع آمرانه (اقتدارآمیز) ارزش‌ها می‌داند؛ اما این تعریف نیز اشکالاتی دارد؛ از جمله اینکه، حداقل به شکل صریح شامل سیاست بین‌المللی نمی‌تواند باشد؛ زیرا در عرصه بین‌الملل، توزیع ارزش‌ها آمرانه و الزام‌آور نیست، ضمن آنکه، نگاه سراسر بدبینانه‌ای به سرشت انسان دارد و هیچ جای و جایگاه و درجه‌ای برای سرشت نیک انسان قائل نیست. اشکال دیگر نیز عدم پیوند با نگرش جامع به سعادت بشری است؛ امری که در نگرش اندیشمندان اسلامی مشهود است.

سیاست در نگرش دینی پیوندی وثیق با مفهوم سعادت دارد که جامع امور دنیوی و اخروی است و تقرب به خدا را می‌رساند و همین نکته آن را از نگرش سکولار متمایز می‌کند. ابوحامد غزالی سیاست را در بالای همه علوم قرار می‌دهد و بر آن است که سیاست تنها دانشی است که زندگی صلح‌جویانه را در این دنیا به مردمان می‌آموزد و نجات‌دهنده در دنیا و آخرت است.^۲ خواجه نصیرالدین طوسی متفکر دیگری است که در این باره بحث کرده است. وی سیاست را در بحث حکمت عملی می‌بیند و آن را نوعی تدبیر می‌داند.^۳ همچنین، وی قوام سیاست را به حکمت می‌داند.^۴ سیاست و تدبیر جامعه در اندیشه وی با مثلث ناموس، حاکم و دنیا شکل می‌گیرد. به نظر وی اگر این سه در مسیر رشد و کمال شایسته انسان‌ها و موجب تهذیب و سعادت آنان شود، آن را سیاست الهی می‌نامند. در اخلاق ناصری سیاست نوعی تدبیر است و

۱. اسکندری، «نگاهی به مفهوم سیاست»، مجله روش‌شناسی علوم انسانی.

۲. غزالی، احیاء علوم الدین، ص ۳۸.

۳. طوسی، اخلاق ناصری، ص ۲۵۲.

۴. همان، ص ۳۰۹.

سیاست ملازم با وجود حاکم است. حال اگر تدبیر بر وفق وجوب و قاعده حکمت اتفاق افتد و مؤدی به کمالی باشد که در نوع و اشخاص به قوت آن است آن را سیاست الهی خوانند؛ والا به چیزی دیگر که سبب آن سیاست بود اضافه کند. از نظر خواجه وظيفه سیاست گسترش فصایل اخلاقی در جامعه است. سیاست به صلاح باز آوردن مردم است به وسیله ارشاد ایشان به راه نجات در دنیا و آخرت و آن ازسوی انبیاء برای خاصه و عامه در ظاهر و باطن است و ازسوی سلاطین در ظاهرشان و ازسوی علماء که وارثان انبیا هستند در باطن ایشان.^۱ غزالی سیاست را به چهار قسم تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از: سیاست انبیا، سیاست خلفاء و سلاطین، سیاست علماء و سیاست وعاظ و تأثیری که بر باطن عامه مردم دارند.^۲

با رفع نواقص موجود در تعاریف به نظر می‌رسد که در میان تعاریف مصطلح تعاریف رفتارگرا در مجموع برتر از دیگر تعاریف است. ترکیب این سنخ از تعاریف سیاست با تعاریف اسلامی، که غایت‌گرا هستند، می‌تواند خروجی و تعریف جامع‌تری را به بار نشانند. براساس این، سیاست را مفهومی فراتر از دولت و قدرت رسمی می‌شناسیم که باید در تعریف شمول داشته باشد؛ اگرچه به‌طور معمول، و به شکل مرسوم با دولت‌ها مرتبط است و متصل با چرخه قدرت و پدیدآورنده روابط قدرت نرم و سخت است. براساس این، با عطف توجه به تعاریف موضوع‌محور کلاسیک این تعریف را که سیاست اعمال نفوذ و اعمال قدرت به منظور تأمین اهداف اجتماعی و تأثیرگذاری بر روندهای عمومی جامعه است را به دیده قبول می‌نگریم و برمی‌کشیم. البته بر پایه نگرش غایت‌نگرانه متفکران اسلامی در تعاریف می‌تواند عبارت «برای نیل به سعادت» افزوده شود. قید سعادت برگرفته از نگرش اسلامی مبتنی بر رستگاری جامع دنیوی و اخروی و نگاه متعالی است. با این تقیید که با توجه به موضوع مورد پژوهش و حیطه خاصش آن را به روابط ویژه میان مردم با دولت و حکومت منحصر می‌کنیم؛ اگرچه در اساس تعاریف دولت‌گرا را ناقص می‌انگاریم. براساس این، به‌طور نمونه، نهاد خانواده از شمول بررسی خارج می‌شود.

۱. تهانوی، کشف، ج ۱، ص ۶۶۴-۶۶۵، به نقل از حلبی، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در اسلام.

۲. غزالی، احیاء علوم الدین، ص ۴۵ به نقل از طباطبائی، اندیشه سیاسی در ایران، ص ۸۸.

۳. مشارکت سیاسی (political participation)

تعاریف و نگرش‌های مختلفی از مشارکت سیاسی نزد اندیشه‌ورزان علوم سیاسی وجود دارد. البته این تعاریف متفاوت برخاسته از خاستگاه‌های فکری و نظری متفاوت است. باوجوداین، اشتراک در برخی مؤلفه‌ها وجود دارد.

مشارکت سیاسی با نظریه‌های مهمی پیوند دارد که هر یک در تبیین دامنه و ماهیت آن نقش دارند. نظریه نخبه‌گرایی (Elitism) مشارکت مؤثر را به نخبگان محدود می‌سازد و توده‌ها را عمدتاً منفعل یا ابزار دست نخبگان می‌داند. در مقابل، نظریه کثرت‌گرایی (Pluralism) مشارکت سیاسی را کلید رفتار سیاسی می‌داند؛ زیرا آن را عامل اصلی در توزیع قدرت و تعیین سیاست‌ها تلقی می‌کند. البته، اگر این دیدگاه از مبانی مطلق‌گرایانه و معرفت‌شناختی‌اش که با مبانی اسلامی ناسازگار است جدا شود و صرفاً به فرایندهای سیاسی محدود گردد، می‌تواند سودمند باشد.

در نظریه‌های مارکسیستی نیز مشارکت سیاسی اهمیت دارد؛ زیرا آگاهی طبقاتی در نهایت به کنش انقلابی یا مشارکت سیاسی منجر می‌شود. با این حال، این رویکرد به دلیل تمرکز افراطی بر ساختارها، غفلت از نقش کارگزار و فردیت انسان، و گرفتار شدن در جبر ساختاری، با کاستی‌هایی مواجه است.

بر این اساس، تعاریف متعددی از مشارکت سیاسی ارائه شده است. مایرون واینر آن را «کنش داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بی‌سازمان، دوره‌ای یا مستمر، با استفاده از روش‌های مشروع یا نامشروع برای تأثیرگذاری بر انتخاب رهبران و سیاست‌ها در سطوح مختلف حکومت» می‌داند. میل برات آن را «رفتاری با هدف تأثیرگذاری بر نتایج حکومتی» معرفی می‌کند. هانتینگتون و نلسون نیز مشارکت سیاسی را «تلاش شهروندان غیردولتی برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی» می‌دانند.^۱ راش، مشارکت سیاسی را «درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت سیاسی، از بی‌تفاوتی تا تصدی مقام رسمی» تعریف می‌کند.^۲

در تعاریف دیگر، مشارکت سیاسی مجموعه‌ای از کنش‌های شهروندان برای نفوذ در حکومت، حمایت از سیاست خاص، یا تلاش برای انتخاب رهبران و تأثیرگذاری بر هدایت

۱. آبنیکی، «جهانی شدن و چالش مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش سیاست نظری.

۲. راش، جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ص ۱۲۳.

امور عمومی است.^۱ از منظری دیگر، مشارکت سیاسی به معنای فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است.^۲ همچنین، می‌توان آن را رقابت و منازعه مسالمت‌آمیز میان بخش‌های مختلف جامعه برای کسب قدرت و تعریف مصالح عمومی دانست.^۳

لوسین پای در کتاب بحران‌ها و توالی‌ها، مشارکت سیاسی را «هر کنش داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بی‌سازمان، دوره‌ای یا مستمر، با بهره‌گیری از روش‌های قانونی یا غیرقانونی برای تأثیرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی، و گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومت» تعریف می‌کند.

در جمع‌بندی، مشارکت سیاسی به معنای حضور فعال و آگاهانه افراد جامعه، به‌صورت فردی یا جمعی، در عرصه عمومی و فرایندهای تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجراست؛ چه در قالب حمایت، نظارت یا رقابت. بر این اساس، کنش‌های غیرآگاهانه و منفعلانه از تعریف خارج می‌شوند. مشارکت سیاسی مطلوب از منظر دینی، فعالیت‌هایی است که سعادت مادی و معنوی جامعه را هدف قرار دهد و به ابعاد صرفاً مادی تقلیل نیابد. در این تحقیق نیز، مناسبات قدرت در جامعه و نسبت آن با حکومت مورد توجه قرار گرفته است.

سطوح مشارکت

مشارکت سیاسی ابعاد مختلفی می‌تواند داشته باشد: ۱. مشارکت سیاسی حمایتی که در جهت حمایت از رژیم سیاسی صورت می‌گیرد؛ مانند حضور در انتخابات، راهپیمایی حمایتی، پرداخت مالیات، و...؛ ۲. مشارکت سیاسی انتقادی، مانند نقد دولتمردان و برنامه‌های دولت در سطوح مختلف جامعه از خانه تا مطبوعات و جلسات، احزاب مخالف، و...؛ ۳. مشارکت سیاسی اصلاحی مانند حضور در تشکلات و احزاب و سندیکاها، استیضاح اعضای هیئت دولت یا رئیس‌جمهور، حضور در سطوح تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و...؛ ۴. مشارکت

۱. فیرجی، «مفهوم مشارکت سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، ص ۴۴.

۲. آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۳۰۰؛ مصفا، مشارکت سیاسی زنان در ایران، ص ۹.

۳. علیخانی، مشارکت سیاسی، ص ۶۱.

سیاسی رقابتی مانند شرکت در انتخابات برای انتخاب شدن و انتخاب کردن، و...؛ ۵. مشارکت سیاسی اعتراضی مانند حضور در اعتصابات مدنی، راهپیمایی‌های اعتراض مدنی، و... . همچنین، مشارکت، برخوردار از سطوح مختلف فردی، سازمانی و جامعه‌ای است. سطح خرد (فرد): مشارکت افراد توأم با میل و اراده است؛ سطح میانی مشارکت نهادها و سازمان‌های اجتماعی است؛ سطح کلان (جامعه) مشارکت در نظام کلی اجتماعی است که همان مشارکت ملی است. نیز بر مبنای کیفیت دخالت مردم می‌توان چهارگونه مشارکت را از هم تفکیک کرد: ۱. مشارکت طبیعی: که منشأ آن در سنت‌های اجتماعی است و آگاهانه و از روی اختیار افراد نیست؛ ۲. مشارکت ارادی یا داوطلبانه که مشارکتی بدون نفوذ و یا دخالت عوامل خارجی است و شرکت فرد ارادی و آگاهانه است؛ ۳. مشارکت خودانگیخته، که مشارکتی خودجوش و نهادی در بین افراد یک جامعه و در واقع، نوعی قرارداد اجتماعی تلقی می‌شود که این قرارداد ناشی از اراده و خواست نفسانی است که نهاد را به وجود آورده است و افراد جامعه مقداری از آزادی خود را از دست داده‌اند تا در سایر زمینه‌ها مورد حمایت نهاد قرار گیرند. راش در کتاب جامعه و سیاست می‌نویسد:

هدف سلسله‌مراتبی مشارکت نباید چیزی بیش از توصیف انواع گوناگون مشارکت در ارتباط با این گزاره باشد که هرچه سطح فعالیت بالاتر باشد، میزان مشارکت، که برحسب تعداد افراد درگیر در یک فعالیت معین سنجیده می‌شود، پایین‌تر است. این سلسله‌مراتب باید شامل تمام موارد مشارکت سیاسی و بر همه انواع نظام‌های سیاسی قابل تطبیق باشد.^۱ وی موارد مهم سلسله‌مراتب مشارکت سیاسی را این موارد می‌داند: داشتن مقام سیاسی، جست‌وجوی مقام سیاسی-اداری، عضویت در سازمان سیاسی، مشارکت در اجتماعات، عضویت انفعالی در سازمان سیاسی، مشارکت در بحث‌های سیاسی، اندکی علاقه به سیاست، رأی دادن. «رأی دادن» را می‌توان کمترین مشارکت سیاسی در نظر گرفت؛ زیرا نیازمند کمترین تعهد است.

براساس این شاکله اصلی مشارکت سیاسی را ابعاد مثبت آن تشکیل می‌دهد. گرچه پاره‌ای نیز هر کنش سیاسی داوطلبانه و آگاهانه مؤثر در سرنوشت سیاسی فرد و جامعه را هرچند منفی

۱. راش، جامعه و سیاست، ص ۱۲۵؛ معمار، جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی: تحلیل تطبیقی درون کشوری از مشارکت انتخاباتی در ایران؛ میلبرث، مشارکت سیاسی.

باشد مشارکت سیاسی دانسته‌اند.^۱ مشارکت سیاسی در بعد مثبت به رفتارهای مشروع سیاسی اطلاق می‌شود که این موارد را دربرمی‌گیرد: ۱. رأی دادن؛ ۲. مبارزات انتخاباتی؛ ۳. کمک به احزاب یا نامزدها؛ ۴. عضویت در باشگاه‌های سیاسی؛ ۵. عضویت در گروه‌های فشار یا خرده فرهنگ‌های سیاسی؛ ۶. عضویت در احزاب سیاسی؛ ۷. تعلق نگرشی و رفتاری به جناح‌های سیاسی (و نه الزاماً عضویت در آنها)؛ ۸. هرگونه پرسش، نقد، اعتراض و نصیحت نسبت به نظام سیاسی.^۲

براساس این، برخی نیز اشکال مشارکت سیاسی را در دو نوع عرفی و غیرعرفی تقسیم کرده‌اند: مشارکت سیاسی عرفی مانند مبارزات انتخاباتی است و مشارکت سیاسی غیرعرفی شامل کنش‌های قانونی و غیرقانونی است.^۳ چنان‌که بیگلی نیز از شش نوع مشارکت سیاسی شناختی، بیانی، سازمانی، انتخابی، دولتی و چریکی نام می‌برد.^۴ دال نیز مشارکت سیاسی را براساس قانونمندی و عدم قانونمندی به مشارکت سیاسی مسالمت‌آمیز و مشارکت سیاسی غیرمسالمت‌آمیز طبقه‌بندی می‌کند.^۵ در این پژوهش با پذیرش تقسیم‌بندی مشارکت سیاسی به

۱. ابعاد منفی مشارکت سیاسی در این مصادیق متبلور است: ۱. پیروی از عقاید افراطی؛ ۲. اقدام به اعمال خشونت‌بار؛ ۳. ترور یا آدم‌کشی سیاسی؛ ۴. شورش که این نوع رفتارهای نامشروع از آن‌رو شکلی از مشارکت سیاسی است که اگر گسترده و شایع باشد، بیشتر از رأی دادن بر خط‌مشی‌های سیاسی حکومت، تأثیرگذار و تعیین‌کننده است. براساس این، برخی نیز اشکال مشارکت سیاسی را در دو نوع عرفی و غیرعرفی تقسیم کرده‌اند. مشارکت سیاسی عرفی مانند مبارزات انتخاباتی است و مشارکت سیاسی غیرعرفی شامل کنش‌های قانونی و غیرقانونی مانند تظاهرات، تحریم، اعتصابات غیرقانونی، و استفاده از خشونت است. چنان‌که بیگلی نیز از شش نوع مشارکت سیاسی شناختی، بیانی، سازمانی، انتخابی، دولتی و چریکی نام می‌برد. دال نیز مشارکت سیاسی را براساس قانونمندی و عدم قانونمندی به مشارکت سیاسی مسالمت‌آمیز و مشارکت سیاسی غیرمسالمت‌آمیز یا خشونت‌آمیز تقسیم می‌کند و مسائلی همچون انقلاب، شورش، کودتا و جنگ چریکی را در آن طبقه‌بندی می‌کند. Reynolds, H.T. Politics and comon man, An Introduction political Behavior, the Doesey press, USA, 1979 P180 Dor, gal, Hofnung, . Introduction political Behavior, the Doesey press, USA, 1979 P180 Menachem (2004). "litigation as politicol participation", Israel studies, volume 11, Number2. مجدی‌نسب، مشارکت سیاسی؛ چگونگی و چرایی، ص ۵۵. به نقل از بیگلی، ۱۹۸۶، ص ۵۱۳-۴۹۶. مصفا، مشارکت سیاسی زنان در ایران، ص ۵۶.

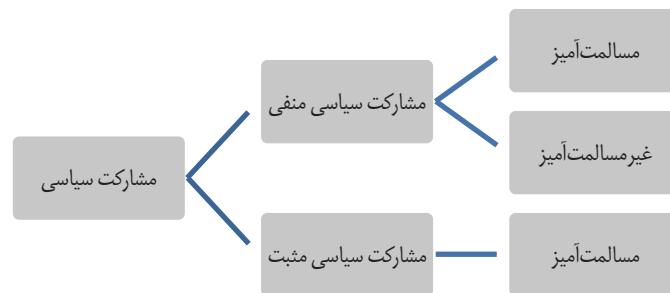
2. Reynolds, Politics and comon man, An Introduction political Behavior, p.180.

3. Dor, Hofnung, "litigation as politicol participation".

۴. مجدی‌نسب، مشارکت سیاسی؛ چگونگی و چرایی، ص ۵۵. به نقل از بیگلی، ۱۹۸۶، ص ۵۱۳-۴۹۶.

۵. مصفا، مشارکت سیاسی زنان در ایران، ص ۵۶.

مثبت و منفی منظور از مشارکت سیاسی بیشتر ابعاد مثبت و مسالمت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز خواهد بود که مبتنی بر همکاری و تعامل باشد. مشارکت منفی، خشونت‌آمیز و براندازانه را کمتر در برمی‌گیرد که مبتنی بر اعراض و معارضه و مبارزه است.



شکل ۱. تقسیم‌بندی انواع مشارکت سیاسی

زیرا اگرچه مشارکت منفی کنش سیاسی تلقی می‌شود، اما عمده تلقی از مشارکت سیاسی معطوف به مشارکت مثبت و مسالمت‌آمیز و درون رژیم سیاسی است. نیز قرآن اعمال سیاسی خشونت‌ورزانه علیه حکومت مشروع را از جهت ارزشی نامقبول انگاشته و تحت عنوان بغی نفی می‌نماید؛ اگرچه روندهای علیه رژیم و معارضانه نسبت به حکومت نامشروع را می‌ستاید که در جای خود بدان می‌پردازیم. بنابراین، مشارکت سیاسی منفی نسبت به نظام نامشروع از منظر قرآن مقبول و نسبت به نظام مشروع و حق از حیث ارزشی نامقبول است که در جای خود بدان اشاره می‌شود.